

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۸ سپتمبر ۲۰۱۸

بحران به حوزه علمیه قم و طلاب و انصار حزب الله هم رسید!

بحران درونی و جناحی حکومت اسلامی به حوزه علمی قم هم رسید. دادسرای ویژه روحانیت قم روز پنجشنبه، ۲۲ شهریورماه، اعلام کرد که در پی «شکایت» معاونت حقوقی ریاست جمهوری از شرکت کنندگان در تجمع اعتراضی مدرسه فیضیه، پنج نفر را احضار کرده است.

در تجمع ۲۵ مردادماه سال جاری در مدرسه «فیضیه» قم که در اعتراض به «فساد اقتصادی» برگزار شد، شماری از حاضران شعارهای ضد دولتی سر دادند و نوشته‌هایی تهدیدآمیز علیه حسن روحانی در دست داشتند.

از این تجمع، تصویر شعارنویشته «ای آن که مذاکره شعارت، استخر فرح در انتظارت»، در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای یافت، شعاری که تلویحاً حسن روحانی را به سرنوشت اکبر هاشمی رفسنجانی تهدید می‌کرد.

اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۹ دی ۱۳۹۵ هنگام شنا در استخر، دچار عارضه قلبی شد و درگذشت. اما این شعار به‌طور ضمنی هم مرگ هاشمی را «قتل» عنوان می‌نمود و هم روحانی را تهدید به «قتل» می‌کرد.

حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی نیز در مجلس و در جلسه سوال نمایندگان از رئیس جمهوری، به‌حوادث چند روز اخیر از جمله شعارهای تند و تهدید تلویحی علیه جان او در جریان تظاهرات گروهی از روحانیون در قم، گفت: «دلم برای این‌ها نمی‌سوزد و اگر من تهدید به ترور شوم برای من مهم نیست، اما چه شد عده‌ای جرأت کردند رئیس جمهوری کشور را تهدید به مرگ کنند؟ چون حس کردند بین ما و شما فاصله است و به غلط فکر کردند بین مجلس و دولت و قوه قضائیه فاصله است.»

او گفت: «ما اگر وحدت داشته باشیم فیضیه، یعنی مرکز انقلاب اسلامی، تبدیل نمی‌شود به جایی که عده‌ای آب به آسیاب دشمن بریزند، باید با هم متحد شویم و دست در دست هم پشت رهبری حرکت کنیم.»

اختلاف جناح‌های حکومتی به جایی رسیده که رهبرشان ناچار شده سران حکومت‌شان را جمع کند و نسبت به کشمکش جناح و حتی به ایجاد تشکیلات و دولت موازی انتقاد کند.

آیت الله خامنه‌ای سردمدار حکومت اسلامی در سخنان تازه‌ای به همه هشدار داد که در انتقاد از اوضاع کشور مبالغه نکنند. او شرایط کشور را بسیار حساس خواند و گفت «دشمنان» همین انتقادها را برجسته می‌کنند و بر «اضطراب

افکار عمومی» می‌افزایند و «ویروس بدبینی» را گسترش می‌دهند. او گفت انقلاب و کشور در حال «پیشرفت» است و این یک «رجزخوانی» نیست.



علی خامنه‌ای، پنجشنبه ۱۵ شهریور، پس از پنجمین اجلاس مجلس خبرگان در دوره جدید که با موضوع «بررسی مطالبات رهبری در بهبود اوضاع اقتصادی کشور و حل مشکلات معیشتی مردم» تشکیل شده بود، در دیدار با رئیس و اعضای این مجلس بار دیگر بیش از هر چیز بر «توطئه دشمنان» علیه نظام جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت این توطئه‌ها در عرصه رسانه‌ای شدت گرفته و همه باید مواظب باشند تا «فضای یاس و ناامیدی و احساس بن‌بست» ایجاد نشود.

او گفت: «اهداف این جنگ رسانه‌ای، ایجاد اضطراب، یاس، ناامیدی و احساس بن‌بست و بدبین کردن مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به دستگاه‌های مسئول و همچنین بیش‌تر و بزرگ‌تر نشان دادن مشکلات اقتصادی در ذهن جامعه است.»

اقتصاد ایران از آغاز سال جاری با سقوط ۱۴۰ درصدی ارزش ریال بعد از خروج امریکا از توافق هسته‌ای و تحریم‌های جدید ایالات متحده علیه ایران دچار رکود بیش‌تری شد و گرانی و تورم سیر صعودی گرفت و اعتراضات مردمی نیز افزایش یافت. چهارشنبه ۱۴ شهریور قیمت دالر به‌حدود ۱۵ هزار تومان رسید. برخی این بحران اقتصادی را ناشی از تحریم‌های امریکا می‌دانند، برخی علت آن را ناکارآمدی مسؤولان دولتی و حکومتی و برخی نتیجه هر دو این عوامل.

خامنه‌ای می‌گوید مبالغه در بیان مشکلات و یا انتقادهای «موجب تشدید اضطراب افکار عمومی و همچنین موجب گسترش «ویروس بدبینی» در جامعه خواهد شد.»

او هشدار داد که نباید شرایط کشور طوری شود که «اقدامات و تبلیغات مثبت» قابل باور نشوند اما «سخن دروغ دشمن» قابل باور شود زیرا به‌گفته او «این وضعیت بسیار خطرناک است.»

خامنه‌ای مسؤولان حکومتی را فراخواند تا در شرایط کنونی انسجام خود را حفظ کنند و پشت دولت را خالی نکنند:

«دعوا کردن راه اصلاح نیست، همچنان‌که ایجاد تشکیلات و کار موازی با دولت نیز به صلاح و موفق نخواهد بود.»
او تاکنون هیچ مسؤولیتی را در مورد اوضاع نابه‌سامان کنونی کشور برعهده نگرفته و تنها یک بار گفته است که مذاکرات برجام اشتباه بود و «بنده اشتباه کردم.»

احمد جنتی، رئیس مجلس خبرگان سه‌شنبه ۱۳ شهریور در آغاز اجلاس مجلس خبرگان تلاش کرد بار مسئولیت وضعیت کنونی ایران را از دوش خامنه‌ای بردارد و بر دوش مسؤولان دولتی و اجرایی بگذارد. او گفت: «مسأله‌ای که الان گرفتارش هستیم این است که نابه‌سامانی‌هایی که در مملکت است را به‌پای رهبری می‌گذارند، انگار که فعال مایشا در همه امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی رهبری است و مجلس و دولت بیکاره هستند.»

روز گذشته، سردار غلامحسین غیب‌پرور، رئیس سازمان بسیج مستضعفان خواهان دخالت بیشتر بسیج در امور کشور شد و راحل شرایط کنونی را در این دانست که باید «انقلابی، جهادی و میان‌بر» عمل کرد، به نیروهای انقلابی اعتماد و از «نفوذی‌ها» جلوگیری کرد.

پنجمین اجلاس مجلس خبرگان در دوره جدید به راحل‌های کلی برای بحران اقتصادی ایران که هر روز عمیق‌تر می‌شود اکتفا کرد و بر همان سیاست خارجی که تاکنون عامل بسیاری از مشکلات ایران بوده پای فشرد و همچنان رهبر حکومت اسلامی را «منشا مشروعیت نظام» دانست.

به‌تازگی روزنامه ایران به‌نقل از هفته‌نامه دی نوشت: «این هفته‌نامه در گزارشی مدعی شده مطابق اطلاعاتی که در اختیار اعضای کمیته تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی درباره مدیران دوتابعیتی گذاشته شده، حسن روحانی برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد و دکترای خود که ۱۷ سال طول کشیده است، حدود ۷۰ سفر به اسکاتلند و انگلیس داشته است.

اکثر این سفرها به‌صورت شخصی صورت گرفته و سؤال این است که آیا برای این ۷۰ سفر خارجی به اسکاتلند و انگلیس، ویزا اخذ شده است؟ پس چرا در نهادهای ذی‌ربط که پاسخ استعلامات کمیته تحقیق و تفحص را داده‌اند، ویزای ۷۰ سفر ثبت نشده؟! به ادعای این هفته‌نامه، مدرک تحصیلی روحانی نیز از دانشگاه کلدونین گلاسگو اسکاتلند، به‌نام حسن فریدون صادر شده است! ۹ دی تأکید کرده است: سؤال افکار عمومی این است که آیا وی پاسپورت دیگری- که قطعاً نمی‌تواند پاسپورت دوم ایرانی باشد- به‌نام حسن فریدون دارد؟...»

حوزه‌های علمی در ایران، مراکزی برای تولید آخوند و مرکز یادگیری چگونگی بستن عبا و عمامه و به‌گریه انداختن مردم با هدف خالی کردن جیب آن‌هاست. یعنی تولید یک مشت انگل مفت‌خور و خرافه‌پراکن!

البته حکومت‌ها هم در توسعه این مراکز خرافه، با تمام قدرت مایه گذاشته‌اند برای نمونه، در دوران حکومت سلطنتی هر جوانی که به سن ۱۸ سالگی می‌رسید باید به‌سربازی می‌رفت حالا تحصیل می‌کرد و یا به‌دلائل دیگر می‌توانست سه چهار سال دیرتر به سربازی برود. اما اگر کسی به‌مطلبه‌خانه می‌رفت از سربازی معاف بود. یعنی یک جوان طلبه دو سال از جوانان هم سن و سال خود جلوتر بود. سربازی، یعنی دو سال بیگاری، دو سال تحقیر و توهین، دو سال تبعید و...، یا اگر جوانی در دوران شاه دیپلم می‌گرفت و می‌خواست به‌دانشگاه برود و در آن دوره عمدتاً دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها بودند اگر خانواده‌ای فقیر بود و نمی‌توانست کرایه خانه و هزینه‌های تحصیل فرزندشان را تأمین کنند از تحصیل محروم می‌شد. در صورتی که در حوزه‌های علمی، نه تنها تحصیل برای طلاب مجانی بود و هم محل زندگی، بلکه حقوق هم می‌گرفتند.

حال در حکومت اسلامی، همین جماعت مفت‌خور و انگل و خرافه‌پراکن آخوند، ناگهان وارد کاخ‌ها و مجالس و وزارتخانه‌ها شدند و یک‌شبه به‌پست‌هایی نظیر رهبر، نخست وزیر، رئیس جمهور، وزیر، نماینده مجلس، استاندار، فرماندار، شهردار و غیره. این جماعت مفت‌خور به‌شدت خشن و بی‌رحم و در عین حال پول‌پرست و مقام‌پرست هستند.

این جماعت چهل سال است که مانند هیولا همه ثروت های جامعه را بلعیده اند و میلیون انسان را از خانه و کاشانه شان آواره کرده اند؛ میلیون ها انسان را به زندان ها افکنده اند؛ ده ها هزار انسان را اعدام کرده اند. نهایتا هر کسی به این حکومت و مقامات آن انتقاد کرده دار و ندار و زندگی و خانواده اش به خطر افتاده اند. حتی تروریست های حکومت اسلامی، صدها نفر فعال سیاسی، فرهنگی و هنری را در داخل و خارج کشور ترور کرده اند. علاوه بر این ها، این حکومت محیط زیست جامعه ایران را به نابودی کشانده است. این جماعت به عنوان سازمان دهندگان و حامیان تروریسم، قاچاق موارد مخدر، قاچاق اسلحه، فحشا، اعتیاد و... معروف شده اند. این حکومت اکثریت مردم ایران را به خاک سیاه نشانده و دچار آسیب های اجتماعی مختلفی کرده است. سران و مقامات این حکومت، حتی به سفره خالی مزدبگیران نیز دست درازی می کنند و دستمزد ناچیز آن ها را به موقع پرداخت نمی کنند و اگر آن ها به این وضعیت اعتراض کردند و گفتن گرسنه ایم گرسنه! باید زندانی و شکنجه شوند و شلاق بخورند.

در یک کلام اگر کارنامه چهل ساله این حکومت را دقیقاً بررسی کنیم به سادگی می بینیم که حتی یک سطر سفید نیز در آن نماییم و همه سیاه و سیاه است. این حکومت آزادی ستیز، زن ستیز، کودک آزار و حکومت شلاق، شکنجه، اعدام و ترور است.

این حکومت چهل سال است که شیر جان مردم را می مکد و طلبه و آخوند، آیت الله و حجت الاسلام و غیره، همگی مفت می خورند و می خوابند و حتی در خواب شان نیز به آدم کشی و ثروت اندوزی می اندیشند. اما اکنون این حکومت، در لبه پرتگاه قرار گرفته و در بحران های مختلفی گیر کرده است که با هر تکانی بیش تر به قعر باتلاق می رود. اکنون این بحران به مراکز تولید مفت خور و خرافه هم رسیده است.

روز پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۷، عده ای در مدرسه فیضیه قم تجمع کردند و پلاکارد به دست، علیه دولت روحانی شعار دادند. اما سخنران مراسم نیز نقد شدیدی را به حوزه مطرح کرد. «حسن رحیمپور از غدی» در این تجمع، سخنانی را به زبان آورد که واکنش سریع مراجع تقلید را هم در پی داشت. بخشی از سخنان او را در رسانه ها و شبکه های اجتماعی و ویدئویی منتشر شده است.

حسن رحیمپور از غدی در تجمع ۲۵ مرداد فیضیه، مراجع تقلید را به باد انتقاد گرفته و گفته بود که «ریشه سکولاریسم در حوزه است؛ به جای این همه رساله، مسائلی که حل نشده است را پاسخ دهید.»

رحیمپور از غدی افزوده بود: «در فقه حکومتی، حوزه هنوز در مسائل اصلی جوابی ندارد؛ حوزه هنوز بعد از ۴۰ سال دارد بحث می کند بانک ها ربوی هستند یا خیر.»

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، اظهارات تند خود را در جلسه ای بر زبان آورده که گزارش شده تشکلی به نام «اساتید سطوح عالی و خارج حوزه علمیه قم» مجری برگزاری آن بوده است.

حسن رحیمپور از غدی که از تحصیل کردگان حوزه علمیه است گفت: «آنچه مطالبه ماست این که نهادها و قوای سه گانه کشور نسبت به وضع موجود و مفاسد و تخلفات باید پاسخگو و پیگیر باشند و لذا هدف از این تجمعات و اعتراض ها تضعیف دولت و مجلس و قوه قضائیه نیست اما از سوئی نمی توان نسبت به اعتراضات به حق مردم نیز ساکت و بی تفاوت بود.

او در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این که دهه چهارم انقلاب، دهه خطر انحراف نظام است و در حال حاضر ما در سر پیچ انحراف انقلاب قرار داریم، اظهار داشت: «ما باید با یک نوع اشرافیت مذهبی که داخل حکومت شکل گرفته مقابله کنیم و در این خصوص حوزویان بیش از سایرین وظیفه دارند که انتقاد و اعتراض کنند.»

او خاطرنشان کرد: «به هر صورت مردم می‌گویند نمی‌شود که کسی شعار مرگ بر امریکا و انگلیس سر بدهد اما به دنبال اقامت فرزندان در این دو کشور باشد و به شدت به دنبال گرین کارت و این مسایل باشد.»

او با اشاره به فرازی از سخنان رهبرشان خامنه‌ای، مبنی بر این که جنگ نمی‌شود و با امریکا نیز مذاکره نمی‌کنیم، گفت: «مرفهان بی‌دردی که از هر دو جناح کشور وارد قوای سه‌گانه شده‌اند و نیز جهاد گریزان ترسو که مدام در حال عقب‌نشینی در برابر استکبارند، این‌ها تن به خیانت به کشور می‌دهند و گر نه آحاد مردم و بسیاری از مسؤولان انقلابی و متعهد و استکبار ستیز هستند.»

در واقع اکنون حزب‌الله و طلاب «انقلابی» نیز به حکومت‌شان انتقاد و اعتراضی دارند. برای اولین بار در تاریخ حکومت اسلامی، علیه گروهی از طلاب حوزه علمیه قم به استادان خود اعتراض کرده‌اند و این اعتراض در شبکه‌های اجتماعی نیز انعکاس یافته و همچنان ادامه دارد.

ماجرای آن‌جا آغاز شد که حسن رحیم‌پور از غدی در تجمع ۲۵ مرداد ماه ۱۳۹۷، مدرسه «فیضیه» قم، انتقادهای تند و متوجه گروهی از مراجع تقلید و حوزه علمیه کرد و با واکنش آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و آیت‌الله حسین نوری همدانی مواجه شد و این ماجرا به توییتر و برخی دیگر از شبکه‌های اجتماعی کشیده شد.

این دو مرجع تقلید معروف، روز ۲۶ مرداد حملات تند و متوجه رحیم‌پور از غدی کردند که چند روز بعد رحیم‌پور هم بر گفته‌های خود در این تجمع تأکید کرد و همین مسأله هم باعث شد که دفتر مکارم شیرازی بار دیگر به رحیم‌پور از غدی بتازد.

دفتر مکارم شیرازی هفتم شهریور ماه، با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده که رحیم‌پور از غدی «ابدا اطلاعی» در مورد وضع حوزه ندارد و عدد ۷۰۰ مرجع تقلید ادعائی وی «کاملاً خلاف واقع است.»

بیانیه دفتر این مرجع تقلید در هفت بند به‌طور خلاصه پاسخ برخی از اظهارات رحیم‌پور از غدی در تجمع ۲۵ مرداد مدرسه فیضیه را داده است.

در این بیانیه به نقل از مکارم شیرازی آمده است: «مایل نبودیم این مسائل تلخ بازگو شود، اما اصرار جمعی از پرسش‌گران سایت ما، ما را وادار کرد.»

حسن رحیم‌پور از غدی در تجمع ۲۵ مرداد فیضیه، مراجع تقلید را به باد انتقاد گرفته و گفته بود که «ریشه سکولاریسم در حوزه است؛ به جای این همه رساله، مسائلی که حل نشده است را پاسخ دهید.»

رحیم‌پور از غدی افزوده بود «در فقه حکومتی، حوزه هنوز در مسائل اصلی جوابی ندارد؛ حوزه هنوز بعد از ۴۰ سال دارد بحث می‌کند بانک‌ها ربوی هستند یا خیر.»

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی اظهارات تند و نیز خود را در جلسه‌ای بر زبان جاری کرده که گزارش شده تشکلی به نام «اساتید سطوح عالی و خارج حوزه علمیه قم» مجری برگزاری آن بوده است.

روزنامه «ایران» این تشکل و اعضای آن را افرادی معرفی کرده که خود را مجری «حوزه انقلابی» معرفی می‌کنند تا «شاید در پس پرده این شعار، پروژه اصلی خود یعنی قدرتیابی در حوزه را پنهان» کنند.

آن‌طور که این روزنامه نوشته، سال‌ها پیش از این مرکز مدیریت حوزه علمیه و برخی بزرگان حوزه و برخی نهادهای حوزوی و غیر حوزوی در شکل‌گیری «تشکل اساتید عالی و خارج حوزه علمیه قم» نقش داشته‌اند.

این تشکل هم روز دوشنبه طی صدور بیانیه‌ای، اعلام کرده که در برگزاری این تجمع دخالتی نداشته است.

در بیانیه این تشکل آمده که «در دعوت از سخنران جلسه، تشکل هیچ‌گونه دخالت یا مشارکتی نداشته است و با تمام احترامی که برای سخنران جلسه قائل هستیم برخلاف نظر ایشان ما حوزه را سکولار نمی‌دانیم.»

این تشکل دی ماه سال ۱۳۹۱، نخستین اجلاس خود را در سالن اجتماعات مدرسه «دارالشفاء» حوزه علمیه قم با سخنرانی محمود هاشمی شاهرودی و در غیاب محمد یزدی و البته با حضور تعدادی از اعضای دفتر علی خامنه‌ای و چند عضو مجلس خبرگان رهبری برگزار کرد.

رسانه‌ها اعلام کردند ناصر مکارم شیرازی مخالف تشکیل چنین مجموعه‌ای بوده و گفته «تشکل اساتید موجود در راستای تقویت نظام و رهبری تدوین شده است و لزومی ندارد عده‌ای بخواهند مجدداً تشکلی جدیدی را در بدنه حوزه تشکیل دهند.»

مکارم شیرازی خطاب به بنیان‌گذاران چنین تشکلی گفته بود که «این کار شما اصلاً به صلاح حوزه و نظام نیست و تقابل و ایجاد تشکل جدید در برابر حوزه علمیه کار درستی نیست.»

آیت‌الله صافی گلپایگانی یکی دیگر از مراجع حوزه علمیه قم نیز در جمع برخی از اساتید سطوح عالی و خارج فقه حوزه علمیه قم گفته بود که «نظر بنده در خصوص تشکیل این جریان نوظهور در حوزه همان نظر آیت‌الله مکارم شیرازی است.»

خبر اعلام موجودیت این تشکل در همان روزها در بسیاری از خبرگزاری‌ها و حتی سایت رسمی شورای نگهبان نیز منتشر شده بود.

در آن زمان گروهی از سایت‌های محافظه‌کار این تشکل نوپا را همسو با دولت محمود احمدی‌نژاد معرفی و نوشته بودند اعضای این تشکل برای حضور در انتخابات آتی ریاست جمهوری (سال ۱۳۹۲) برنامه دارند.

این تشکل حدود دو ماه پس از هشدار علی خامنه‌ای مبنی بر افزایش اندیشه سکولاریسم در حوزه‌های علمیه اعلام موجودیت کرد.

خامنه‌ای آبان ماه سال ۱۳۹۱، طی سخنانی در جمع گروهی از روحانیون خراسان شمالی، گفته بود: «روحانیت و حوزه‌های علمیه سربازان این نظام هستند و هیچ‌گاه نمی‌توانند خود را جدا از نظام اسلامی تصور کنند.»

خامنه‌ای افزوده بود که «حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار و نسبت به نظام اسلامی بی‌تفاوت باشند و هیچ روحانی نمی‌تواند خود را جدای از نظام اسلامی بداند.»

او اضافه کرده بود «این‌که یک آقای در یک گوشه‌ای عبايش را بکشد به‌کول خودش، بگوید من به‌کارهای کشور کار ندارم، من به‌نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است.»

از آن دوره به‌بعد بود که گروهی از حامیان علی خامنه‌ای منظور اصلی این سخنان رهبر حکومت اسلامی را محمّدتی بهجت فومنی یکی از مراجع تقلید قم معرفی کردند که یک سال پیش از این سخنان در سال ۱۳۸۸ مرده بود.

از آیت‌الله بهجت هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رهبران برجسته دینی در حوزه‌های علمیه نام برده می‌شود که در تمام طول عمر مخالف دخالت دین و طلاب در امور سیاسی بود و از او به عنوان «مرجع تقلید سکولار» هم یاد می‌شود.

دو ماه بعد از این سخنان خامنه‌ای، این تشکل «انقلابی» در حوزه اعلام موجودیت کرد و در بیانیه خود آورد که «تفکر جدائی دین از سیاست (سکولاریسم) اندیشه‌ای بیگانه از آموزه‌های اسلامی است و حوزه‌های علمیه با هوشیاری حوزویان از نفوذ چنین انحرافی مصون خواهند ماند.»

روزنامه «ایران» هم پس از حدود هفت سال بی‌آن‌که نامی از اعضای این تشکل ببرد، نوشته برخی اعضای آن «حضور قابل توجهی» در مدیریت حوزه علمیه دارند و با اصرار فراوان و با وجود «مخالفت» مرکز مدیریت حوزه با سخنرانی رحیم‌پور از غدی در تجمع ۲۵ مرداد، چنین تجمعی را برگزار کرده‌اند.

روزنامه دولتی «ایران» نوشته که سخنرانی رحیمپور از غدی در واقع آغاز عملیات «اسب تروا در فیضیه» است و این عملیات «معنایی جز آغاز هجمه به حوزه از درون حوزه و طرد بزرگان حوزه» نیست.

این روزنامه در ادامه گزارش خود، ارزیابی کرده مجریان این عملیات در «شورانندن طلاب مبتدی علیه راس هرم سازمان روحانیت شیعه که بازتاب‌های بعدی در فضاهاى مجازى و محافل حوزوى نشان داد، در این امر همچنان موفق هستند.»

به‌نوشته روزنامه دولتی «ایران» عملیات «اسب تروا فیضیه» بود که ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید ساکن قم را به‌واکنش واداشت به‌طوری که او با صدور بیانیه‌ای برگزاری این جلسه یا تجمع را «فاجعه» نامید.

مکارم شیرازی در بیانیه خود بدون این که نامی از رحیمپور از غدی ببرد، گفت که «گوينده‌ای را که هیچ اطلاعی از وضع حوزه‌های علمیه شیعه نداشته، بدترین اهانت‌ها را به حوزه علمیه و مراجع شیعه» کرده است.

حسین نوری همدانی هم دومین مرجعی بود که در واکنش به این اظهارات چنین گفت که «حوزه هیچ‌گاه سکولار نبود و نیست و نخواهد بود. چرا باید کسی را به حوزه بیاورند که از حوزه بی‌اطلاع باشد.»

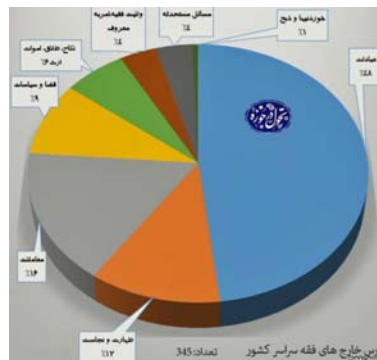
موضع‌گیری سریع و کم‌سابقه این مراجع تقلید منجر به شکل‌گیری مواضعی مختلف در میان حزب‌الله و طلاب «انقلابی» در دفاع از رحیمپور از غدی و حمله به‌برخی از مراجع تقلید و وضعیت کنونی حوزه علمیه قم شد.

در این مواضع طیف گسترده‌ای از نیروهای حزب‌الله و طلاب شرکت دارند که در گفتمان جدید حامیان حاکمیت و نزدیکان به علی خامنه‌ای به‌عنوان «نیروهای جوان انقلابی» شناخته می‌شوند.

آن‌ها از سال‌ها پیش در پی یک هشدار خامنه‌ای درباره روند «سکولاریزه» شدن حوزه علمیه قم، نگاه و مواضع انتقادی نسبت به وضعیت کنونی حوزه‌های علمیه دارند و خواستار پررنگ‌تر شدن حضور و نقش حداکثری مراجع حوزه در امور سیاسی و سایر حوزه‌ها هستند.

پیش از این، کانالی به‌نام «فقاها؛ تحول در حوزه» در تلگرام فعال بود که به‌منظر می‌رسد از سوی این جریان راه‌اندازی شده و مطالب تند و تیزی علیه مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه منتشر می‌کرد که در پی فیلتر تلگرام این کانال به پیام‌رسان‌های داخلی نقل مکان کرد.

این کانال چندی پیش برای اثبات سکولار شدن حوزه علمیه و دوری آن‌ها از مسائل سیاسی و مهم حکومتی، نمودار تفکیکی از درس خارج فقه حوزه‌های علمیه سراسر ایران منتشر کرده و نوشته بود موضوع ۶۰ درصد دروس ارائه شده در این سطح مربوط به «عبادات و طهارت» است.



از حسن رحیمپور از غدی، به‌عنوان یکی از تنوریسین‌های این جریان جوان و نوپا نام برده می‌شود که با مراجع تقلید و حوزه علمیه قم در زمینه‌های مختلف اختلاف عمیقی دارد و در سال‌های اخیر به یکی از منتقدان حوزه تبدیل شده است.

این اختلاف‌ها پس از تجمع ۲۵ مرداد ماه، برای نخستین‌بار به صورت علنی و گسترده در شبکه‌های اجتماعی خود را منعکس شده و به پوششی علیه حوزه علمیه قم تبدیل شد.

جلیل محبی، مدیرکل مرکز مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس از نخستین طلبه‌هایی بود که در حمایت از رحیم‌پور ازغدی توثیت کرد: «سال‌هاست عرض می‌کنم رحیم‌پور تئوریسین انقلاب خمینی است. کسی که فقه و اصول در حد عالی می‌داند. فلسفه و کلام اسلامی را هضم کرده و فلسفه غرب را فهمیده و به‌درستی نقد کرده. اسلامش اسلام قرآن و نهج البلاغه است نه مفاتیح و تکرار مکررات رسائل و مکاسب.»

سال‌هاست عرض می‌کنم که رحیم‌پور تئوریسین انقلاب خمینی است. کسی که فقه و اصول در حد عالی می‌داند. فلسفه و کلام اسلامی را هضم کرده و فلسفه غرب را فهمیده و به درستی نقد کرده. اسلامش اسلام قرآن و نهج البلاغه است نه مفاتیح و تکرار مکررات رسائل و مکاسب...

مهدی شاهی‌زاده، طلبه و مبلغ دینی هم نوشته است: «دولت، قوه قضائیه و مجلس و برخی قم نشینان مرفه بی‌درد می‌خواستند صدای رحیم‌پور ازغدی را خاموش کنند ولی انقلابیون نشان دادند که صدایشان خاموش شدنی نیست.» حسین کازرونی هم از جمله طلبه‌هایی است که توثیت کرده است: «سخنانی که شاید به مذاق بعضی خوش نیاید ولی حقیقت است. حوزه علمیه توان همراهی نظام را ندارد و تا این همراهی میسر نشود تمدن اسلامی ساخته نخواهد شد. تأکیدات مکرر رهبر انقلاب بر لزوم تحول حوزه برای همین است و کو گوش شنوا؟!»

سایت «رجانیوز» بیانیه ۲۵۰ «طلبه انقلابی» را منتشر کرد که در آن خبر از «تشکیل کارگروهی برای شناسایی بنیان انقلاب زدائی در حوزه‌های علمیه» داده شده است.

در این بیانیه با حمایت تلویحی از سخنان حسن رحیم‌پور ازغدی، آمده است: «کارگروهی قوی متشکل از روحانیت هوشیار بنا دارند افرادی را که می‌خواهند با هدف انقلاب‌زدائی در حوزه‌ها موجب تضعیف نظام اسلامی شوند» را «شناسائی کرده و علاوه بر پیگیری حقوقی آن‌ها، به‌زودی به عموم جامعه روحانیت معرفی کند.»

پایان این گزارش ارزیابی مرتضی گل‌پور، خبرنگار روزنامه ایران از این جدال حوزوی با این توثیت است که «دفاع سیستماتیک از رحیم‌پور ازغدی در توثیت به‌وضوح نشان می‌دهد ما در فجای با کاربران مستقل مواجه نیستیم. آنان سربازانی در قاعده یک هرم هستند که پس از رسیدن دستور از بالا، به صورت هماهنگ عمل می‌کنند. مسأله مهم این است که نهاد هادی این لشکر، در ماجرای قدرت، مقابل حوزه هم می‌ایستند.»

به‌گزارش خبرگزاری اهل بیت «ابنا» تجمع علما، اساتید و طلاب حوزه علمیه قم با موضوع مطالبه عدالت اقتصادی، روز پنج‌شنبه ۲۶ مرداد ماه، با شعار «روحانیت هم درد و همراه مردم» در مدرسه فیضیه قم، برگزار شد.

سخنران اصلی مراسم «حسن رحیم‌پور ازغدی» بود، از جمله مباحث او که اعتراض علما و روحانیت را در پی داشت کنایه‌هایش به درس‌های خارج فقه حوزه بود؛ کنایه‌هایی که خالی از حقیقت بود.

رحیم‌پور ازغدی گفت: «فقه بی‌ربط با زندگی، زندگی بی‌ربط با فقه، درس خارج‌هایی که به‌جای تئوریزه حکومت و تمدن دینی، عملاً فقه سکولار می‌سازند، فقه فردی، عبادی طهارت و نجاست. اما درباره اقتصاد، سیاست، بانک و روابط بین‌الملل حرفی ندارند.

سکولاریسم یعنی همین است. همه می‌گویند سکولاریسم در دانشگاه است، بگذارید بگویم ریشه سکولاریسم در حوزه است. سکولاریسم یعنی تفکیک دین از حکومت، دولت و تمدن. تفکیک نظری وقتی است که حرفی ندارید. ۵ درس خارج از فقه نه، یک درس خارج فقه در قم، مشهد، نجف و اصفهان دارید که پرسش‌هایش را از بیرون بگیرد و همین

الان در مسائل حکومتی بیاید بر اساس آن‌ها ادله را پیدا کند و بحث کند. یعنی از ذهن نیاید به عین، از عین بیاید به ذهن. چندان هستند؟

هنر نیست هی طهارت، نجاست و طواف بگویند، هزار بار گفته شده و برای هزار و یکم هم می‌گویند. به قول مطهری می‌گوید اجتهاد تکرار حرف‌های مکرر نیست. جواب مسائل حل شده نیست اجتهاد یعنی جواب مسائل حل نشده. مسائل حل نشده را جواب بده، مسائل حل شده را که همه بلدند جواب بدهند.

شنیدم ۷۰۰-۸۰۰ رساله می‌خواهند در قم بدهند، ما اصلاً ۷۰۰ تا مرجع می‌خواهیم؟ این جور که کارخانه انبوه تولید مرجع تقلید شروع شده کاری نیست. کسی ۴ شرح و حاشیه بخواند و همان را بگوید مرجع می‌شود؟ حساسیت سر مسائل جزئی درجه ۶، عدم حساسیت درباره مسائل درجه یک.

۴ سؤال جدی در حوزه فقه اداری، فقه حکومتی، فقه روابط بین‌الملل، فقه اقتصادی، فقه بانکی مطرح می‌شود، اغلب این‌هائی که می‌خواهند رساله بدهند هیچی برای گفتن ندارند. یک علت این که بگویند جمهوری اسلامی ناکارآمد است، سیستمش درست نیست برای این بی‌سوادی‌هاست. سوادهای به‌درد نخور. بی‌سوادی حوزه.

الان ۱۰۰ مسأله مطرح می‌کنم در یک درس خارج فقه به این‌ها نمی‌پردازند، در حالی که ۸۰ مسأله از ۱۰۰ مسأله جزء مسائل اصلی جامعه ماست. علت آن است که اکثر این‌ها اصلاً جواب ندارند. اصلاً نمی‌دانند مظان پاسخ‌گویی به این مسائل در کدام بخش قرآن و حدیث است.»

بنا به گزارش همین خبرگزاری سپاه پاسداران نیز در واکنش به این انتقادات هرگونه دخالت در برگزاری تجمع حاشیه‌دار طلاب در مدرسه فیضیه را تکذیب کرد.

این ماجرا نشان می‌دهد که در حوزه علمیه قم نیز شکاف به‌وجود آمده و برخی طرفدار دولت و برخی مخالف آن هستند. به‌عبارتی دیگر، برپائی مراسم اعتراض در مدرسه فیضیه قم در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۹۷، طرح نیروهای خاصی هماهنگ شده بود. از جمله سپاه پاسداران، مسئولان حوزه‌های علمیه و مدرسه فیضیه، طرفداران مصباح یزدی و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، اندیشکده عصر، وابستگان به ابراهیم رئیسی و حامیان او در جبهه پایداری و...

سخنران اصلی این تجمع که بسیار هم مورد حمله مراجع ۱۰۰ ساله قم قرار گرفت از مهره‌های اصلی حکومت و فردی اقتدارطلب است. حسن رحیم پور از غدی، در صدا و سیما به‌عنوان مدرس و فیلسوف و متفکر اسلامی! حضور می‌یابد. او در سابقه خود دورانی بازجو و شکنجه‌گر کیانوری رهبر حزب توده بود. همکار او سرمدی بود. هم اکنون در شورای عالی انقلاب فرهنگی و دانشگاه آزاد و همچنین اندیشکده عصر در کنار دیگر یاران ابراهیم رئیسی و علم‌الهدی قرار دارد، در این مجموعه‌ها افرادی حضور دارد که در جبهه پایداری، قرارگاه عمار، مؤسسه اوج و... دیده می‌شوند. نیروی خطرناکی که همواره آماده اعتشاش، جاسوسی، تخریب است.

در وب سایت قم نیوز از وب‌سایت‌های مخالف دولت روحانی، چنین آمده است: «هر چه به‌لحظات میانی مراسم و سخنرانی استاد رحیم‌پور از غدی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شدیم، جای انداختن سوزن در نمازخانه مدرسه فیضیه نبود.» اما عکس‌هائی که خبرگزاری‌های مختلف از این تجمع مخابره کرده بودند غالباً کادرهائی بسته را نشان می‌دادند و در چند مورد که کل جمعیت در قاب عکاسان جا گرفته بود. نکته مشخص خالی بودن قسمت‌های قابل توجهی از سالن محل برگزاری این مراسم بود؛ چیزی کاملاً بر خلاف این ادعا که آن‌جا «جای سوزن انداختن هم نبود.»

این مراسم در نمازخانه مدرسه فیضیه قم برگزار شد که در بهترین حالت و با جمعیتی فشرده می‌تواند چیزی حدود ۲۵۰۰ نفر را در خود جای دهد. پیش از آن‌که نمازخانه مدرسه فیضیه پیش از ظهر روز پنجشنبه میزبان طلاب و

روحانیون معترض باشند، اعتراضات مشابهی در حوزه‌های علمیه تهران و مشهد آغاز شده بود. اعتراضاتی که البته نه ابعاد مراسم روز پنجشنبه قم را داشت و نه بازتاب خبری آن را.

یکی معرکفگیرهای این جلسه، حجة الاسلام احمدی بود. او یک ۱۰۰ دالری را آتش زد.

قبل از سخنرانی از غدی، سردار «حجة الاسلام حسین طیبی‌فر فرمانده تیپ مستقل ۸۳ تبلیغی - رزمی به سخنرانی پرداخت. افرادی از سپاه نیز در اجتماع شرکت کرده بودند.

شعارها و پلاکاردهای تجمع فیضیه قم، به شرح زیر بودند:

«وزیران میلیاردری، زالوی این نظامند»؛ «ملت ما نجیب است، وزیر به فکر جیب است»؛ «رهبر با درایت، دولت بی‌کفایت»؛ «برجامیان برگردید، مطیع رهبر گردید»؛ «محصل انگلیس، مذاکره کلید نیست»؛ «نه برجام نه ۲۰۳۰، لعنت به انگلیسی»؛ «سؤال از مسوولان وظیفه مجلس است، تمرد از قوانین شیوه هر ناکس است»؛ «بنی‌صدرها همیشه فرصت فرار ندارند»؛ «ای آن‌که مذاکره شعارت، استخر فرح در انتظارت.»

«ای ملت! به نیت امر به معروف از رئیس جمهوری بخواهید در این گرانی‌ها یارانه هر نفر را تا ۲۰۰ بالا ببرد.» یکی از فرازهای مهم و خبرساز این میتینگ طلاب قم، تهدید روحانی بوده است. در میتینگ اعتراضی طلاب حوزه علمیه قم علیه دولت پلاکاردی از بقیه برجسته‌تر بود و آن‌هم تهدید صریح شیخ حسن روحانی رئیس‌جمهورشان. در این پلاکارد نوشته شده بود: «استخر فرح» در انتظار حامیان مذاکره است و ظاهراً کنایه بهمرگ مشکوک هاشمی رفسنجانی دارد.



بر یکی دیگر از پلاکارها با کنایه به دوران تحصیل روحانی در انگلیس و استفاده نمادین او از کلید در مبارزات انتخاباتی سال ۹۲ نوشته شده «محصل انگلیس، مذاکره کلید نیست.»

بر پلاکارد دیگری که بحث و جنجال بر سر آن پس از دو روز همچنان فروکش نکرده چنین نوشته شده است: «ای آن‌که مذاکره شعارت، استخر فرح در انتظارت.»

مطابق ارزیابی برخی روزنامه‌ها نظیر اعتماد و جمهوری اسلامی و شماری از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب مانند عیسی سحرخیز منظور از «استخر فرح» همان استخر در مجموعه سعدآباد است که اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۹ دی ماه ۹۵ در آن غرق شد.

مجموعه سعدآباد به لایلا امامی، همسر امیر عباس هویدا تعلق داشته و رفسنجانی از بخشی از فضای آن به‌عنوان یکی از دفترهای کارش استفاده می‌کرد. ظاهراً کسانی که پلاکارد را تهیه کرده و در دست گرفته‌اند، به اشتباه استخر این مجموعه را که پس از انقلاب ساخته شده «استخر فرح» دانسته‌اد.

عیسی سحرخیز، با اشاره به شایعاتی که درباره کشته شدن احتمالی رفسنجانی وجود دارد نوشته است: «متأسفانه این تابلو عملاً تمامی شک و شبهه‌هایی که رسانه‌های خارجی بعد از فوت هاشمی ایجاد کرده بودند را زنده و تشدید می‌کند.»

او نوشته است: «این پیام و این دست نوشته را نباید شوخی گرفت، باید با عاملان آن برخورد حقوقی شود چون از یکسو نوشته‌ای بسیار خطرناک و تهدیدآمیز است و از طرفی دقیقاً به افکار عمومی این نکته را القا می‌کند که این استخر یک حمام فین است.»

حمام فین در باغی به‌همین نام در کاشان قرار دارد و محل قتل میرزا تقی‌خان امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار است. رفسنجانی به این شخصیت علاقه زیادی داشت و برخی حامیان او را «امیرکبیر زمان» می‌خوانند.

روزنامه جمهوری اسلامی نیز با اشاره به واکنش‌ها به پلاکارد یاد شده در فضای مجازی می‌نویسد: «کاربران، با دیدن این شعار گفتند این، علاوه بر آن‌که تهدیدی علیه رئیس‌جمهور است، نوعی اعتراف به فعال‌بودن دست‌هایی در ماجرای جان باختن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در استخر است.»

به‌طور معمول تجمع‌هایی شبیه گردهمایی پنج‌شنبه در مدرسه فیضیه قم «خودجوش» خوانده می‌شود و اگر شعار و اقدامی در آن جنجال به پا کند به‌پای گروه‌های «خودسر» نوشته می‌شود.

شعار برنامه‌ریزی شده، حامیان خامنه‌ای

روزنامه جمهوری اسلامی با توجه به عبارت «بعد از مراسم تابلوها را برگردانید» که بر دسته چوبی این تابلوها به چشم می‌خورد می‌نویسد این عبارت «برنامه‌ریزی شده بودن این تجمع توسط یک جریان خاص» را برملا می‌کند.

روزنامه اعتماد نیز با طرح این پرسش که «سردادن چنین شعارهایی چه پیامی دارد؟»، نوشته است: «بیش از یک سال از درگذشت مرحوم هاشمی رفسنجانی گذشته و همچنان رسانه‌های بیگانه تلاش دارند تا مرگ او را مشکوک جلوه دهند، آیا تهدید رئیس‌جمهور به وقوع اتفاقی در استخر صحنه گذاشتن بر این ادعای کذب نیست؟»

گرچه مضمون پلاکارد یاد شده الزاماً به معنای تأیید به‌قتل رسیدن رفسنجانی نیست، می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که نویسندگان آن چنین فرض می‌کنند و از تهدید آشکار رئیس‌جمهور و دیگر حامیان مذاکره ابائی ندارند.

آیت‌الله هاشم بطحائی، عضو مجلس خبرگان رهبری، روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد ماه، در واکنش به شعار «ای آن‌که مذاکره شعارت / استخر فرح در انتظارت» در تجمع پنج‌شنبه گذشته طلبه‌های حوزه علمیه قم گفت: «گردهمایی اخیر جای تأسف داشت که بیايند چنین شعاری بدهند. در حقیقت آن شعار این است که یک جریانی ناخواسته بپذیرد اگر رئیس‌جمهور یا کس دیگری هم کاری کند، به اتفاق استخر فرح مبتلا می‌شود.»

به‌گزارش خبرآنلاین، این عضو مجلس خبرگان ادامه داد: «به عبارت دیگر مفهوم این شعار آن است که غیرمستقیم بگوئیم اتفاقی که برای هاشمی افتاد، ما انجام دادیم و اگر دیگران هم خلاف نظر ما حرکت کنند، به آن سرنوشت مبتلا می‌شوند. بنابراین همه مراجع و بزرگان حوزه علمیه همچون حضرت آیت‌الله مکارم این اقدام را محکوم می‌کنند.»

علی مطهری، نایب رئیس دوم مجلس ایران نیز با اشاره به این‌که شعار جنجالی طلبه‌ها در قم می‌تواند «سرنخی» برای نحوه مرگ هاشمی رفسنجانی باشد، خواستار پیگیری مسأله از سوی وزارت اطلاعات ایران شد.

اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۵ در استخری در مجموعه سعدآباد غرق شد. ظاهراً تهیه‌کنندگان پلاکارد تجمع قم، به اشتباه استخر مجموعه سعدآباد را که پس از انقلاب ساخته شده «استخر فرح» دانسته‌اند.

روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به واکنش‌های گسترده به پلاکارد یادشده در فضای مجازی نوشته بود: «کاربران با دیدن این شعار گفتند این، علاوه بر آن‌که تهدیدی علیه رئیس‌جمهور است، نوعی اعتراف به فعال‌بودن دست‌هایی در ماجرای جان باختن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در استخر است.»

سخنران قبل از حسن رحیم پور از غدی، حسین طیبی‌فر، فرمانده تیپ مستقل تبلیغی - رزمی ۸۳ امام صادق قم که جانشین سردار «حجه‌الاسلام» مجتبی ذوالنور فرمانده سابق این تیپ است. ذوالنور عضو سپاه پاسداران و از حامیان اصلی محمود احمدی‌نژاد بود. او، همچنین زمانی قائم‌مقام جانشین خامنه‌ای در سپاه پاسداران بود و اکنون نماینده مجلس از شهر قم است.

اما سیدحسین اکبری مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه قم به «مکارم شیرازی» نوشته است: «تصاویری که در بعضی رسانه‌ها از حضور اعضاء سپاه در این برنامه منتشر شده مربوط به مراسم دیگری بوده و انتشار این عکس‌ها اقدامی ناشیانه در راستای تخریب نهاد مقدس سپاه بوده است.» در حالی که متن سخنان خود حجه‌الاسلام حسین طیبی‌فر در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۷۹، در رسانه‌های حکومتی منتشر شده است. به‌گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی خبر قم به‌نقل از خبرگزاری امنیتی «تسنیم» از قم، «حجه‌الاسلام والمسلمین حسین طیبی‌فر در گفت‌وگو با خبرنگاران، با اشاره به‌حاشیه‌های به‌وجود آمده درباره تجمع جمعی از طلاب در روز پنج‌شنبه گذشته که در مدرسه علمیه فیضیه برگزار شد، اظهار داشت: تجمع یاد شده به‌صورت کاملاً خودجوش برگزار شد و پس از آن، حوزه علمیه ورود کرد که وضعیت تجمع را کنترل کند که موفق به‌این کار نیز شد. او افزود: حوزه در مقابل برخی افرادی که قصد داشتند تجمع را به‌بیرون از مدرسه فیضیه هدایت کنند، مقاومت کرد و اجازه خروج از مدرسه فیضیه به‌آن‌ها داده نشد.

فرمانده تیپ ۸۳ امام جعفر صادق... افزود: سالن مدرسه فیضیه مملو از جمعیت بود که از طلاب و روحانیون سخنران جلسه نیز حضور پیدا نکرده بودند لذا با درخواست برخی از دوستان حوزوی، بنده برای این‌که شخص دیگری تربیون را در دست بگیرد و جلسه از کنترل خارج نشود چند دقیقه‌ای سخنرانی کردم تا سخنران جلسه به‌مراسم برسد. طیبی‌فر با اشاره به‌صحبت‌های مطرح شده مبنی بر این‌که سخنران جلسه توسط وی دعوت شده است، گفت: «به‌هیچ عنوان این‌گونه نبوده است و بنده این موضوع را به‌شدت تکذیب می‌کنم.»

او با اشاره به پلاکاردهای مراسم تجمع که سایت‌های خبری آن‌ها را انتشار دادند نیز گفت: «در همان چند دقیقه‌ای که بنده برای پر کردن خلا به‌دلیل دیر آمدن سخنران صحبت کردم اعلام کردم پلاکاردهای غیر از سخنان رهبری و مضمون سخنان رهبری در شان جلسه طلاب و روحانیون نیست و با اصرار گفتم آن‌ها را جمع کنید.

فرمانده تیپ ۸۳ امام جعفر صادق، بیان کرد: «با توجه به‌تأکید بنده، پلاکاردهای غیر سخنان مقام معظم رهبری جمع‌آوری شد و الباقی پلاکاردها را سخنران هنگام صحبت خواندند.»

یکی از ویژگی‌های همه سران و مقامات حکومت اسلامی دروغ‌گویی است. برای روشن شدن ارتباط نظامی تیپ مستقل ۸۳ امام صادق با سپاه پاسداران، خبر زیر کفایت می‌کند:

به‌گزارش خبرگزاری حوزه، ۳ هزار نفر از بسیجیان مدارس علمیه قم با شرکت در دوره‌های متفاوت مقدماتی، تکمیلی و ... که در پادگان آموزشی باقرالعلوم (ع) تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق (ع) برگزار شد، آموزش‌های نظامی را گذراندند. حوزه مقاومت بسیج طلاب امام خمینی (ره)، حوزه مقاومت امام خامنه‌ای (مدظله) و حوزه بسیج خواهران طلبه، حوزه‌هایی هستند که بسیجیان مدارس علمیه قم را در قالب گردان‌های عاشورا و الزهرا (س) سازماندهی می‌کنند. آموزش دوره‌های مختلف نظامی، یکی از برنامه‌های این حوزه ها می‌باشد؛ به‌طوری که طلاب بسیجی مباحث تئوری

دوره‌های نظامی را در مراکز و مدارس فرا گرفته و مراحل تکمیلی و پایانی آن را در پادگان آموزشی باقر العلوم (ع)، وابسته به تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق (ع) می‌گذرانند.

براساس اعلام تیپ مستقل ۸۳ امام صادق (ع)، تعداد یک هزار نفر از طلاب بسیجی، آموزش‌های نظامی تکمیلی را گذرانده و تعداد ۲ هزار نفر نیز آموزش‌های مقدماتی را فرا گرفته‌اند.

از این همین خبر روشن می‌گردد که حکومت اسلامی، علاوه بر جایگاه خرافه‌پراکنی طلاب، نقش ارگان سرکوب و کشتار را نیز به آن‌ها اعطا کرده است! از این رو روشن است که در فردای سرنوشتی حکومت اسلامی، حوزه‌های علمیه نه به‌مثابه مراکز تحصیلی طلاب، بلکه به‌عنوان مراکز نظامی حکومت و نقش طلاب در سرکوب مردم، تعطیل خواهند شد.

در ایران، دولت با بودجه مصوب مجلس و حکومت با منابع در اختیار بیت و رهبر، با بودجه‌های رسمی و غیررسمی، و آشکار و پنهان سالانه ده‌ها میلیارد دالر صرف این دو حوزه می‌کنند. میزان صرف بودجه در جنگ‌های نیابتی و نیز میزان صرف بودجه دستگاه رهبری در حوزه‌ها هیچ‌گاه اعلام نشده است.

امروز بخش قابل توجهی از منابع کشور، صرف تبلیغات دینی می‌شود که حتی به درد هیچ انسانی هم نمی‌خورد. بودجه‌هایی که به‌مراکز دینی اختصاص می‌یابد محدود به چند تبصره بودجه یا یک نهاد نمی‌شود. همه نهادهای کشور در حوزه دین هزینه می‌کنند: از شهرداری‌ها تا سپاه (در ساختن مساجد و برگزاری مراسم مذهبی) و از وزارتخانه‌های مختلف (مسکن و شهرسازی و ارشاد تا دفاع و آموزش و پرورش) تا نهادهای مختلف تحت نظر رهبری و...

رقم دقیق این بودجه‌ها روشن نیست اما از تعداد نهادهای دینی، تعداد طلاب، میزان استخدام روحانیون در دستگاه‌های دولتی که بعضاً آمار آن اعلام می‌شود، و مقایسه روحانیون با دیگر اهل کسب و کار بر حسب واحد جمعیت.

در سال ۱۳۹۵، طلبه‌های شاغل به‌تحصیل در حوزه‌های علمیه بانوان بیش از ۷۰ هزار نفر و فارغ‌التحصیلان آن‌ها ۹۰ هزار نفر بوده‌اند.

تعداد مدارس حوزه‌های علمیه بانوان ۵۰۰ حوزه بوده است. مدیر حوزه علمیه خواهران، آمارهای دیگر از همین نهاد رقم فارغ‌التحصیلان را بالاتر اعلام کرده‌اند: «حوزه علمیه خواهران ۴۴۷ مدرسه علمیه در سراسر کشور با حدود ۳۳۷ هزار فارغ‌التحصیل و ۶۲ هزار مشغول به‌تحصیل دارد.

به‌گفته محمود خلقی معاون آموزش مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، ۱۰ هزار نفر مبلغ سازمان‌یافته در حوزه‌های علمیه بانوان در حال فعالیت هستند و ۲۷ هزار طلبه زن برای حضور در فضای مجازی در حال آماده‌سازی هستند. بر اساس برخی تخمین‌ها حدود ۱۵۰ هزار طلبه مرد در سراسر کشور مشغول به تحصیل هستند. تنها در قم، حدود ۸۰ هزار طلبه ایرانی به آموزش مشغولند.

معاون ارتباطات و بین‌الملل جامعه المصطفی، مدرسه‌ای در قم که طلاب غیرایرانی شیعه را تربیت می‌کند، گفته است: «در حال حاضر بیش از ۳۰ هزار فارغ‌التحصیل جامعه المصطفی به‌جامعه بشری تقدیم شده است.» بنا به‌گفته رئیس جامعه المصطفی «امروز، ۳۰ هزار نفر از ۱۲۰ ملیت، در حال تحصیل در این مرکز هستند.» این طلاب برای تأسیس مؤسسات مذهبی و مساجد در سراسر عالم با اتکا به‌بودجه دولتی و حکومتی ایران تربیت می‌شوند تا حکومت به‌موازات جاه‌طلبی‌ها و گسترش طلبی‌های نظامی که فرماندهان سپاه از آن‌ها با عنوان هسته‌های مقاومت یاد می‌کنند، شبکه مذهبی خود را نیز گسترش دهد.

درآمدهای نفتی‌ای که امروز در حوزه دین مصرف می‌شوند به حکومت اسلامی ایران، این امکان را داده که شبکه‌ای از روحانیون شیعه را در همه کشورها در کنار خود داشته باشد. این شبکه در کشورهای غربی با اتکا به آزادی مذهب و نظام انتقال دالر حواله‌ای فعالیت دارد در حالی که حتی یک نهاد فرهنگی غربی نمی‌تواند در ایران فعالیت کند. تورم نهادهای دینی شیعه موجب افزایش رقابت دینی در ایران شده و اهل سنت نیز در این میان تلاش کرده‌اند از شیعه عقب نمانند. معاون بین‌الملل حوزه‌های علمیه کشور گفته است: «هم اکنون ۱۷ هزار مسجد ویژه اهل سنت در کشور وجود دارد که این میزان نسبت به دوران قبل از انقلاب ۱۰ برابر شده است.» تعداد روحانیون و طلاب اهل سنت نیز در حال افزایش بوده است. تعداد طلاب و روحانیون اهل سنت حدود ۴۱ هزار نفر ذکر شده است. در سال ۱۳۹۲، بیش از ۷۰ هزار نفر روحانی از دستگاه‌های مختلف فرهنگی با هدف رفع شبهات دینی و فعالیت‌های تبلیغی به مدارس اعزام شدند. در سال ۹۱ بیش از ۱۳ میلیون نفر ساعت برای بیش از ۱۵۰ هزار نفر فرهنگی دوره آموزشی اخلاق دینی برگزار شد.

به‌گفته مشاور وزیر آموزش و پرورش، امروز در هر اداره دولتی یک روحانی برای اقامه نماز وجود دارد که از دولت حقوق هم می‌گیرد. در مؤسسات فرهنگی و آموزشی و تبلیغاتی دولتی ده‌ها هزار روحانی (به‌عنوان اقامه‌کننده نماز، مبلغ، معلم و استاد معارف) به‌طور دائم و پاره وقت مشغول به‌کار هستند و بر این تعداد افزوده خواهد شد. فقط در یک مورد قرار است ۱۸ هزار روحانی در آموزش و پرورش استخدام شوند. در هیچ گزارشی از بیکاری روحانیون ذکر نمی‌شود.

با توجه به حدود ۱۷۰ هزار طلبه شیعه زن و مرد و حداقل ۱۳ هزار طلبه اهل سنت تعداد روحانیون زن و مرد کشور نمی‌تواند کمتر از ۴۰۰ هزار روحانی باشد و این یعنی یک روحانی به ازای هر ۲۰۰ نفر جمعیت. برخی دستگاه‌های تبلیغاتی دولتی اعلام کرده‌اند که در کشور ۱۵۰ هزار روحانی وجود دارد اما تعداد شاغلان یک صنف نمی‌تواند کمتر از تعداد دانشجویان آن صنف باشد. اگر در چهل سال گذشته به‌طور متوسط سالانه تنها ۱۰ هزار نفر طلبه به‌حوزه‌های علمیه جذب شده باشند که یک تخمین حداقلی است و تنها روحانیون ۱۵ تا ۶۵ سال را در بر می‌گیرد، امروز حداقل ۴۰۰ هزار روحانی در کشور وجود دارد. روحانیت شغلی نیست که در ایران بازنشتگی داشته باشد و حتی روحانیون بالای ۸۰ سال هنوز فعال هستند و درآمد دارند. مدارس دینی در پذیرش طلبه هیچ‌گونه محدودیت سنی و جنسی و تحصیلی ندارند.

رقم فوق را اگر با تعداد پزشکان یا وکلا در جامعه ایران، مقایسه کنیم به وضعیت بسیار متفاوتی دست می‌یابیم. در حالی که مشاغل آن‌ها برای افراد و جامعه هم ضروری و هم بسیار حیاتی‌تر است. بنا به گزارش رئیس سازمان نظام پزشکی حدود ۸۰ هزار پزشک در ایران وجود دارد. (۴۲ هزار و ۸۲۲ پزشک عمومی، ۳۹ هزار و ۸۹۲ پزشک متخصص) یعنی حدود یک پزشک به ازای هر هزار نفر جمعیت. تعداد وکلا و کارآموزان وکالت در کشور حدود ۵۰ هزار نفر است. یعنی یک وکیل به ازای ۱۶۰۰ نفر. بدین ترتیب تعداد روحانیون کشور حدود پنج برابر تعداد پزشکان و حدود هشت برابر وکلا است.

مسعود نیلی، مشاور اقتصادی حسن روحانی در ۲۵ فروردین ۱۳۹۲ با حضور در برنامه پایش، ضمن مقایسه آمار مشابه تعداد شاغلان سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان داد در طول سال‌های میانی دولت احمدی‌نژاد، هر سال فقط ۱۴ هزار شغل ایجاد شده است. رسانه‌های منسوب به‌جریان اصلاح‌طلبی، فردای پخش آن برنامه پایش، آمار ارائه شده توسط دکتر نیلی را تکان‌دهنده خوانده و با تمسخر تعداد اشتغال ایجاد شده در دوره آن دولت را حدود صفر اعلام کردند.

حسن روحانی در حالی از ایجاد حدود ۱/۲ میلیون شغل در سال‌های ۹۲ تا ۹۴ سخن گفت که مشاغل ایجاد شده در یک دهه گذشته سالیانه ۶۶۷۰۰ مورد بوده و اقتصاد ایران حتی توان ایجاد ۱۰۰ هزار شغل در سال را هم ندارد. معاون مرکز آمار ایران می‌گوید: «در سال‌های ۸۴ تا ۹۴ به جمعیت فعال کشور ۸۸۲ هزار و ۸۰۷ نفر افزوده شد که از این تعداد ۶۶۷ هزار و ۷۸۲ نفر توانسته‌اند شغلی برای خود دست و پا کرده و ۲۱۴ هزار و ۹۲۶ نفر نیز نتوانسته و به جمعیت بیکاران کشور افزوده شدند.»

در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، هیچ مانعی برای ایجاد شغل برای روحانیون وجود ندارد چون همه درها به روی آن‌ها باز است و مدارس علمیه شیعه هم هیچ محدودیتی در جذب طلاب ندارند.

دوران آموزش یک کودک با نماز جماعت روزانه و سخنرانی آخوند و درس‌های زمخت و هدفدار همراه است. آن‌گاه، آخوند در همه کارها و مسائل روزانه فرد دخالت دارد. از نماز و روزه گرفتن تا مرگ و ساختن گور و مقبره آنان چه در ایران و یا در کشورهای دیگر. در همه حال آخوند در همه جا دخالت و حضور پررنگ دارد.

کلاهبرداری‌های آخوند جماعت یکی و دو تا نیست و در هر راهی ادامه دارد. یکی از کلاهبرداری‌های آن‌ها، علاوه بر ساختن مسجد، امامزاده‌ها و صندوق‌های نذورات و پول انداخته درون ضریح که درآمد آن به جیب گشاد آخوند می‌رود بیش از درآمد نفت و منابع طبیعی دیگر است، صندوق‌های قرض‌الحسنه است. شمار این صندوق‌ها نامحدود و در هر گوشه و کنار کشور حتی در بخش‌ها و دهات و کوچه پس‌کوچه‌ها نیز دیده می‌شود. شمار این صندوق‌ها در تهران بیش از دو میلیون است. با توجه به وسعت ایران، و پراکندگی و گسترده‌ی شهرها و بیش از هفتاد هزار ده‌گوناگون، شمار این صندوق‌ها سرسام‌آور و تجاوز بیش از حد و کلاهبرداری عظیم آخوند را بر ملا می‌سازد.

طبق آمار خود کمیته امداد، تعداد کل صندوق‌های صدقات در سراسر کشور برابر با ۵/۸۱۲/۰۶۷ عدد گزارش شده که این تعداد تا پایان سال ۸۹ به عدد هفت میلیون رسیده و هر سال ۷۰۰۰۰۰ صندوق بدان‌ها افزوده می‌شود. با یک حساب سر انگشتی چنان‌چه هر روز تنها ۵۰ نفر مبلغ ۲۰۰ تومان به‌طور متوسط، به هر صندوق بباندازند، مبلغی برابر هفتاد میلیارد تومان می‌شود.

اگر ۳۶۵ روز یک سال را در نظر بگیریم، بیست و پنج تریلیون و پانصد و پنجاه میلیارد تومان معادل ۵۱۱۰۰۰۰ پوند انگلیس است که بنابه گفته کارشناسی می‌تواند همه استان خوزستان و چند استان دیگر را می‌توان از بی‌آبی و خشکسالی نجات داد.

باید توجه داشت که برخلاف محاسبه چنین کارشناسی که در سرتاسر ایران روزی ۵۰ نفر را تخمین زده که پول به‌درون صندوق صدقات می‌اندازند، به‌دلیل کثرت جمعیت ۸۰ میلیونی و مشکلات فراوان و روزمره حل‌نشده مردم، روز به‌روز بر تعداد صدقه‌دهندگان و میزان آن افزوده می‌شود.



این پول‌های بادآورده به کجا می‌رود؟ ظاهراً این پول‌ها و یا صدقه‌های مردمی به‌صرف امور خیریه و بینوایان کشور می‌رسد. در حالی که اگر سرتاسر کشور و شهرهای گوناگون به جست‌وجو بر خیزیم نه از شمار کارتن خواب‌ها کم شده، و نه معتاد و درمانده‌ای درمان شده و نه کسی به آن‌ها کمک کرده است. بنابراین این درآمدهای کلان، به جیب گشاد آخوندها ریخته می‌شود. با جرات می‌توان گفت که این پول‌های بادآورده نیز مانند پول‌های هنگفتی که به‌درون ضریح‌ها و امازده‌ها ریخته می‌شود، تمام و کمال نصیب آخوندها می‌گردد.

مجتبی خامنه‌ای فرزند خامنه‌ای است که از نظر جنایت و غارتگری دست پدر خود را از پشت بسته است. بنا به گزارش کارشناسان، تمامی این درآمد زیر نظر نهاد رهبریست و بدانید که این صندوق‌ها پیمان‌کاری دارند. یعنی برای آن‌ها مناقصه برگزار می‌شود و برنده می‌بایست ماهیانه مبلغی بابت کرایه به نهاد مذکور بدهد. گزارشی نشان می‌دهد که نهصد میلیون تومان در ماه برنده مزایده صندوق‌های استان تهران بوده است. این پیمان‌کاری هم فقط به آقازده و نورچشمی‌ها اعطا می‌شود.

کمیته امداد، به‌جای آن که به داد مردم نیازمند ایران برسد در کشورهای خارجی مثل لبنان، فلسطین، سوریه، اندونزی و ... سرمایه‌گذاری کرده و گاهی نیز خبر ساختن خانه بی‌خانمان‌ها و یا کمک برای زوج‌های جوان جهیزیه و جشن تدارک می‌بیند را منتشر می‌کنند.

در حالی که بم پس زلزله، همچنان ویران است، ورزگان در آذربایجان و کرمانشاه همان شرایط بم را دارند. مردم سیستان و بلوچستان در فقر و فلاکت غرق اند. خوزستان زر خیز آب خوردن ندارد. روستاهای کشور بسیار محروم و بی‌امکانات هستند و... آسیب‌های اجتماعی که ریشه در فقر و نداری دارد مثل تن‌فروشی، اعتیاد، دزدی، ناامنی، بی‌خانمانی، کارتن‌خوابی، گورخوابی، جنین‌فروشی، کلیه‌فروشی و بدبختی در بیش‌تر نقاط ایران، به‌ویژه در پایتخت بیداد می‌کند!

آن‌چه مسلم است میزان پول‌های بادآورده و درآمد نزدیک به‌هشت میلیون صندوق خیریه در سرتاسر ایران بسیار هنگفت و باور نکردنی است.

بنا به گزارش روزنامه ایران، سه‌شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۹۱، معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی مدارس، ۵۰۰ هزار کلاس درس در کشور فعال است که ۳۰ درصد آن‌ها یعنی رقمی بالغ بر ۱۵۰ هزار کلاس درس برای تأمین گرمای مورد نیاز خود از بخاری نفتی کاربراتوری استفاده می‌کنند.

چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۳۹۱، بخاری نفتی کلاس چهارم ابتدائی دبستان دخترانه شین آباد واقع در روستائی به‌همین نام در ۵ کیلومتری پیرانشهر کردستان آتش گرفت و ۳۸ دانش‌آموز دختر این مدرسه دچار سانحه شدند. با اندوه بیش‌تر آن که هفت تن از دانش‌آموزان که دچار سوختگی شده بودند، پیش از فرستادن به بیمارستان جان خود را از دست دادند و ۳۱ تن نیز به بیمارستان منتقل شدند. گفته می‌شود دولت تاکنون هیچ کمکی برای درمان این کودکان پرداخت نکرده است.

بنا به گزارشی، تعداد ۷۰۸ مدرسه از خشت و گلی در استان سیتان و بلوچستان وجود دارد و در حالی که دولت قرار بوده ۳۹۰ مدرسه را تخریب و نوسازی کند، هیچ اقدامی در این‌باره انجام نشده است. استان سیستان و بلوچستان در تعداد کودکان بازمانده از تحصیل نیز رتبه‌دار است و شهریور گذشته اعلام شد تعداد کودکان بازمانده از تحصیل در این استان ۱۲۰ هزار نفر است.

بنا به گزارش وزیر آموزش پرورش: ۴۰ تا ۴۲ درصد کلاس‌ها بخاری‌های غیر استاندارد هنوز در کلاس‌ها استفاده می‌شود.

غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۹۷ در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته بود: دولت جدول ۱۷ را حذف کرده و در ردیف‌های دیگر گذاشته بود که ما آن‌ها را حذف کردیم ولی به‌نظر نمی‌رسد اجرائی شود زیرا در سال ۹۳ هم همین کار را کردیم ولی در صحن مجلس با خواست و موافقت «علی لاریجانی» به‌بودجه بازگشت. در کمیسیون تلفیق مجلس تغییرات مهمی در ارقام بودجه رخ نداده تنها حجم یارانه‌های نقدی از ۲۳ هزار میلیارد تومان به ۳۰ هزار میلیارد افزایش یافته و از افزایش قیمت برخی از خدمات و کالاهای دولتی جلوگیری شده است و در نهایت ۱۱ بهمن ماه کلیات لایحه بودجه به‌تصویب مجلس رسید تا بررسی آن در مجلس ادامه یابد.

سهم نهادهای مذهبی از بودجه سال ۱۳۹۷:

بودجه صدا و سیما، هزار میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان؛

بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۸۰۰ میلیارد تومان؛

بودجه حوزه علمیه قم (خدمات به روحانیون و طلاب شامل حق بیمه و غیره) ۸۹۷ میلیارد تومان؛

شورای عالی حوزه‌های علمیه ۴۴۰ میلیارد؛

شورای سیاست‌گذاری خواهران حوزه، ۲۵۸ میلیارد؛

سازمان تبلیغات اسلامی، ۴۳۰ میلیارد (مؤسسه پژوهشی و فرهنگی اسلامی، بنیاد دایرتمعارف اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، مرکز رسیدگی به امور مساجد و ...)

هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۴۸ میلیارد؛

مجمع جهانی اهل بیت، ۴۷ میلیارد؛

صندوق توسعه فرهنگ قرآنی ۴۰ میلیارد؛

مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، ۳۷ میلیارد؛

راهیان نور، ۲۲ میلیارد؛

آستان مقدس امام خمینی ۱۸ میلیارد؛

برنامه تأمین دارو ۱۸ میلیارد؛

سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور که بیش‌تر از نیمی از آن‌ها مخروبه و خطر آفرینند، ۱۱ میلیارد؛

مراسم ارتحال امام، ۹ میلیارد؛

نشر آثار خمینی ۶ میلیارد؛

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی وابسته به مصباح یزدی ۲۹ میلیارد؛

جامعه المصطفی ۳۰۵ میلیارد؛

نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها ۱۲۴ میلیارد؛

سازمان امور دانشجویی با چند میلیون دانشجوی، تنها ۱۱ میلیارد؛

همان‌طور که در بالا نیز اشاره کردیم همراه با این بودجه‌های کلان به نهادهای دینی و مذهبی که در دست روحانیت است، مبالغ هنگفتی هم از سوی شهرداری‌ها به‌این مراکز و نهادها پرداخت می‌شود از جمله کمک مالی به‌مداحان، ساخت مساجد، اماکن مذهبی و زیارتی.

این مبالغ کلان از منابع و امکانات مالی جامعه، به‌مراکز و نهادهایی پرداخت می‌شود که نه تنها هیچ‌گونه نقشی در افزایش تولید مادی و معنوی جامعه ندارند، بلکه بسیار مضر هم هستند. آن‌هم در حالی که میلیون‌ها جوان بیکار، در کنج خانه ماردی و پدری با شرمساری زندگی مشقت‌باری دارند.

این لیست را می‌توان طولانی‌تر کرد اما همین چند نمونه به‌خوبی نشان می‌دهد که حکومت اسلامی ایران در این چهل سال حاکمیت خونین و تبه‌کارانه خود، با سیاست‌های وحشیانه خود هم طبیعت ایران را نابود کرده، هم صدها هزار انسان را زندانی و شکنجه و اعدام کرده و هم به‌لحاظ اقتصادی، اکثریت مردم این کشور را به‌خاک سیاه نشانده است.

بی‌تردید یکی از وظایف مهم انقلابیون و شوراهای مردمی، انحلال کلیه ارگان‌های سرکوب حکومت از ارتش و پولیس و ژاندارمری گرفته تا سپاه پاسداران، نیروهای بسیج، وزارت اطلاعات و... است. در مقابل باید هرچه سریع‌تر تسلیح عمومی صورت گیرد و یگان‌های مدافع خلق ایجاد گردد. نیروهائی که هرگز سیاست تهاجمی و سرکوب ندارند و تنها مدافع دستاوردهای انقلاب و امنیت و آزادی و برابری و عدالت اجتماعی هستند. حتی یک روز تاخیر در انحلال این مراکز نظامی، انتظامی و امنیتی، خطر بزرگی برای تداوم انقلاب مردم خواهند شد.

انسان آزاد است هر دینی را بپذیرد و یا نپذیرد. اما مذهب امر خصوصی انسان‌هاست. این امر خصوصی یعنی چی؟ اما آخوند جماعت این مسأله رد می‌کند و توجیه‌شان چنین است:

«اگر دین یک امر شخصی است پس چرا خداوند فرمان به امر به‌معروف و نهی از منکر کرده است؟ آن هم در چندین جای قرآن؟ چرا می‌فرماید: شما بهترین امتیاد مادامی که امر به‌معروف و نهی از منکر داشته باشید؟ یعنی در صورت ترک امر به‌معروف و نهی از منکر قضیه بالعکس خواهد شد!»

پس با این توجیه، بشر محکوم است هم دیندار باشد و هم همواره در حال جنگ و جدل در خانواده و همسایه‌ها و مذاهب دیگر و بی‌دینان! بنابراین، به‌دلیل این که جلو تبلیغ و ترویج خشونت خدائی و گروه‌های مذهبی آن گرفته شود باید قوانین جامعه طوری تنظیم گردد که هیچ گروه مذهبی نتواند شهروندان را به یهودی، مسیحی، مسلمان، بهائی و غیره تقسیم کند و حقوق آن‌ها را پایمال نماید. گروه‌های ملی - مذهبی برای هر جامعه‌ای مضرند چرا که بین شهروندان تفرقه می‌اندازند از این‌رو، نخست باید به پوشیدن عبا و عمامه در جامعه پایان داد. چهل سال عملکرد جنایت‌کارانه حکومت اسلامی در مقابل همه ماست. ضربه‌ای که این حکومت به جامعه ایران و همبستگی انسانی وارد کرده است به این زودی‌ها ترمیم‌پذیر نیستند. آخوند می‌تواند در جمع‌های خودی و یا مساجد با عبا و عمامه سخن بگوید اما در جامعه حق استفاده از این اونیفرم مذهبی را نباید داشته باشد. هیچ آخوند حق ندارد علیه مذاهب مختلف و یا آتئیست‌ها و کمونیست‌ها و لائیک‌ها سخن بگوید. آخوندها حق ندارند علیه دختران و زنان سخن بگویند. هیچ خانواده مذهبی حق ندارد کودک خود را صرفاً به‌دلیل دختر بودن از تحصیل و تفریح محروم کند.

استفاده از حجاب و بی‌حجابی در جامعه، باید آزاد باشد. یعنی هر کس دوست دارد چادر سر بکند و یا نکند. اما چادر سر کردن تا ۱۸ سالگی ممنوع گردد و پس از آن آزاد گردد.

باید قمه‌زنی و زنجیرزنی و هرگونه تظارات مذهبی در جامعه که به‌خشونت در جامعه دامن می‌زنند ممنوع گردد. قتل عام حیوانات در اعیاد مذهبی و در انتظار عمومی، باید اکیدا ممنوع گردد.

همه مراکز مذهبی باید تحت نظر جامعه و تشکل‌های آن مثل شوراهای محلات قرار گیرد و هرگونه درآمد آن‌ها به‌خدمات عمومی همان منطقه اختصاص یابد. آخوند هم باید مثل همه شهروندان به‌اداره کار برود و دنبال کار باشد. بنابراین، هیچ شهروندی حق ندارد وارد حریم خصوصی افراد شود و باید انسان آزاد باشد که دلش خواست به‌مسجد و کلیسا برود و یا میخانه و دیسکو. مردمی که مذهبی هستند و دل‌شان می‌خواهد کمی به مراکز مذهبی بکنند آزادند اما باید بدانند که آن پول نباید به جیب آخوندی و یا جریان مذهبی خواهد رفت، بلکه آن پول تحت نظارت تشکل‌های مردمی قرار گرفته و مستقیماً به خدمات عمومی و رفاه مردم آن منطقه اختصاص داده خواهد شد. مراکز مذهبی بیش‌تر به‌عنوان مراکز تاریخی، مراکز توریستی خواهند شد. در ایران صدها هزار مرکز مذهبی بزرگ و کوچک و مسجد و

امامزاده وجود دارد. این مراکز نباید وابسته به هیچ گروه و مذهبی باشد و ملک شخصی کسی نیست، بلکه جزو اموال عمومی جامعه است و به همین دلیل نیز می‌توان در این مراکز جشن عروسی، شادی و کنسرت راه انداخت و جلسات فرهنگی و سیاسی برگزار کرد.

هیچ انسانی برتر از انسان دیگر نیست چه سیاه آفریقائی، چه سفید اروپائی و چه برنز خاورمیانه‌ای. همه زبان‌های مادری باید آزاد باشند و هیچ زبانی نباید خود را برتر از زبان‌های دیگر بداند. شاید ضرورت داشته باشد که واژه اقلیت از ادبیات سیاسی و قوانین کشوری حذف شود و جایش را شهروندان آزادی که حقوق برابر دارند و هیچ انسانی انسان دیگر را استثمار و یا برده خود نمی‌کند.

همه آنچه که در بالا بدان‌ها اشاره شد ضرورت دارد که هم در قوانین و هم در تبلیغ و ترویج رو به افکار عمومی و هم در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس شوند به‌طوری که تفاوت دختر و پسر از بین برود و آن‌ها از همان کودکی و از کودکستان، همدیگر را به‌عنوان انسان و با حقوق برابر بشناسند. نهایت باید جامعه‌ای ساخت و بر در و دیوار آن نوشت: انسان آزاد به‌دینا می‌آید؛ آزاد هم زندگی می‌کند و آزاد هم از دینا می‌رود!

شنبه بیست و چهارم شهریور [سنبله] ۱۳۷۹ - پانزدهم سپتمبر ۲۰۱۸